ادبیات عاشورا

محمدقاسم هاشمی


بسم الله الرحمن الرحیم

ادبیات عاشورا

نویسنده:

محمد قاسم هاشمی

ناشر چاپی:

نشریه درسهایی از مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ادبیات عاشورا

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۷۵-۱۱۴۲۴

سرشناسه : هاشمی محمدقاسم عنوان و نام پدیدآور : ادبیات عاشورا/ هاشمی محمدقاسم منشا مقاله : درسهایی از مکتب اسلام سال ۳۶، ش ۴، (تیر ۱۳۷۵): ص ۴۶ _ ۵۲.

، ، ش ۵، (مرداد ۱۳۷۵): ص ۵۴ _ ۵۹.

توصیفگر : واقعه کربلا

توصیفگر : شعر فارسی توصیفگر : صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد

توصیفگر : کسایی مروزی توصیفگر : ناصرخسرو

توصیفگر : باباطاهر

توصیفگر : سنایی مجدودبن آدم توصیفگر : بدیع الزمان همدانی احمدبن حسین

سلطان ولد (وفات ۷۱۲ هجری)

سلطان ولـد فرزنـد «جلال الـدین محمد بلخی» است، وی هم مانند پدر، در نظم و نثر توانا بوده و به شـیوه پدر نیز سـخن گفته است:دو نمونه از اشـعار سـلطان ولد که اشاره به حضـرت امام حسین علیه السلام دارد، در ذیل ارائه می گردد:نِخْوَت کم کن، چـو حسـین و حسن کـبر و منی را مفزا چون یزیـدکبر و فزونی علف دوزخنـد هر که زد او کم [۱] به بهشتی خزیـد و در غزل دیگری گفته است:چو تو نیست هیچ شیخی، تو ورای با یزیدی تو عزیز چون حسینی، نه ذلیل چون یزیدی [۲] .

علاءالدوله سمنانی (وفات ۷۳۶هجری)

علاءالـدوله از صوفیـان و عارفـان بزرگ قرن هفتم و اوائل قرن هشـتم هجری (معاصـر پادشاهان ایلخانی) و به ظاهر شـیعه اثنی عشـری بوده است.در قصـیده ای گویـد:کمـال حُسن خُلف انـدر حسن دان وفـا انـدر شـهید کربلاـ بین و در قطعه ای هم گفته است:ز حُسن حَسَن برخـوری [۳] وز حسـین شوی در معارف امین محمّـد صـلی الله علیه و آلهاگر هستی از دوسـتداران ایشان توئی پیرو راستین محمّد صلی الله علیه و آلهایا رب کنی عون آل العبا که این است نقش نگین محمّد صلی الله علیه و آلهحسن با حسـین فاطمه با علی علیهم السلام بُدند بر یسار و یمین محمّد صلی الله علیه و آلهاگر منصفی راست گو، آن زمان جز ایشان که بودند، گُزین محمّد صلی الله علیه و آله [۴] .

اوحدی مراغه ای اصفهانی (وفات ۷۳۸هجری)

اوحدی یکی از مشهورترین شاعران قرن هشتم هجری می باشد، وی اصلش از اصفهان بوده، اما مدتی از عمر خود را درمراغه گذرانـده و در همـان جـا هم فوت نموده و به خـاک سپرده شـده است و به همین خاطر به او لقب مراغه ای داده انـد.برخی از صاحبـان تراجـم و کتب، اوحـدی را شـافعی مـذهب دانسـته انـد، لیکن از اشـعار او برمی آیـد که شـیعه بـوده و تقیّه می کرده است.نمونه هائی از اشـعار او در ذیل تقدیم می گردد:اهل بیت تو سر به سر نورند بر زمین حرّ و بر فلک حورندوارثانند دین و علمت را حارسان گشته مر یقینت راهر که چیزی بیافت، زیشان یافت گُم شد آن کس که روی از ایشان تافتدیدم از خوان آن نفیس عرب متصل نفس کربلا به کربنشود جور بر چنان شاهی مگر از چون یزید گمراهیبخت [۵] آن کس که سر

به خواب کشید تیغ بر روی آفتاب کشید [۶] .به حدیث حیات پیوندت به جگر گوشگان دلبندتبه شهیدان کربلا زفسوس به ستم کشتگان مشهد طوس [۷] و در قصیده ای که در مدح حضرت علی علیه السلام سروده، گفته است:من بسته بند توأم، خاک دو فرزند توأم در عهد و پیوند توأم، با داغ و طوق قنبری اشعار زیر در منقبت حضرت امام حسین علیه السلام است، این اشعار می رساند که اوحدی به کربلا نیز سفر کرده و این اشعار را در آنجا سروده است: [۸] .این آسمان صدق و درو اختر صفاست یا روضه مقدس فرزند مصطفاستاین داغ سینه اسدالله و فاطمه علیهما السلام است یا باغ میوه دل زهرا و مرتضاست علیهما السلامای دیده، خوابگاه حسین علی علیه السلام است این یا منزل معالی و معموره علاستای تن، توئی و این صدق دُرّ لَوْ کُشِفَ [۹] ای دل توئی، و این گُهرِ کانِ «هَلْ أتاست»ای جسم خاک شو، که بیابان محنت است وی چشم، آب ریز، که صحرای کربلاستسرها برین بساط، مگر کعبه دلست رخها بر آستانه، مگر قبله دعاستای برکنار و دوش نبی بوده منزلت قندیل قبه فلکی خاک این هواستتو شمع خاندان رسولی براستی پیش تو همچو شمع بسوزد درون راستبر حالت تو رقّت قندیل و سوز شمع جای شگفت نیست، نشانی ازین عزاستقندیل از این دلیل که زردست روشن است کو را حرارت از جگر ماتم شماستهر سال تازه می شود این درد سینه سوز سوزی که کم نگردد و دردی که بی دواستکار فتوّت از دل و دست تو راست شد اندر جهان بگوی که این منزلت کِراست؟در آب و آتشیم چو قندیل بر سرت آبی که

فیضـش از مـدد آتش عناسـتقندیل اگر هوای تو جوید بدیع نیست زیرا که گوهر تو ز دریای «لافتی» ست [۱۰] .زرّینه شمع بر سر قبرت چو موم شـد زان آتشـی که از جگر مؤمنان بخاسـتای تشـنه فرات یکی دیده باز کن کز آب دیده بر سـر قبرِ تو دجله هاستآتش عجب که در دل گردون نیوفتاد در ساعتی که آن جگر تشنه، آب خواستشمشیر تا زبدگهری در تو دست بُرد نامش همیشه هندو و سر تیز و بی وفاستاز پیرهن که گشت به دست حسود چاک اندر برِ معاویه دیریست تا قباستفرزند بر عداوت آبا پراکَنَد تخم خصومتی که چنین لعنتش سزاستگردیست بر ضـمیر تو، زان خاکسـار و مـا بر گورت آبِ دیـده فشانان ز چپ و راسـتاز بهر کشـتن تو بکشـتن یزید را لایق نبود، کشـتن او لعنت خداسـتبا دوستان خویشتن از راه دشمنی رویت گرفته از چه و خاطر دُژم چراسـتگردون ناسـزا ز شـما عذرخواه شد امروز اگر قبول کنی عذر او سزاستشاهان به پرسش تو ز هر کشور آمدند وانگه به بنـدگی تو راضـی، گرت رضاسـتاز آب چشم مردم بیگانه، گِرد تو گِرداب شـد، چنان که برون شـد به آشناسـتحالت رسـیدگان غمت را گرفت شور شورابه دو دیـده یـک یـک برین گواسـتکار مخالفـان تو، برون اُفتـد از نوا چون در عراق سـاز حسـینی کنند راسـتبر عود تربتِ تو، چو شـکّر بسوختم از شـکّرت بپرس که این آتش از کجاسـتچون کاه می کِشد به خود این چهره هـای زرد این عود زن نگـار که همرنگ کهرباسـتعودی که میوه دل زهرا علیها السـلام درو بود نشـکفت اگر شـکوفه او زهره سماستصندوق تو زروی، به زر در گرفته ایم وین زر

فشانی ارچه برویست بی ریاستروزی ز سرگذشت تو دیدم حکایتی زان روز باز پیشه من نوحه و بُکاستتا میل قبه تو درآمد به چشم من تاریکی از دو چشم جهان بین من جداستبرتربت تو وقف کنم کاسهای چشم زیرا که کیسه زرم از سیم، بی نواستتابوت تو ز دیده مرصّع کنم به لعل وین کار کردنیست، که تابوت پادشاستچشم ار ز خون دل شودم تیره باک نیست در جیب و کیسه خاک تو دارم، که توتیاستچون خاک عنبرین ترا نیست آهویی مانندش ار بنافه چینی کنم، خطاستقلب سیاه سیم تنم زرّناب شد زین خاک سرخ فام که همرنگ کهرباستکردم به حلّه [۱۱] روی ز پیشت بحلیه لیک پایم نمی رود که مرا دیده از قفاستزان چشم دور بین چه شود گر نظر کنی در حال «اوحدی» که برین آستان گداستاو را بس اینقدر که بگوئی ز روی لطف با جدّ و با پدر که فلانی غلامِ ماستکردم وداع، این سخن این جا گذاشتم بیگانه را مَده، سخن من که آشناستگر تن سفر گزید ز پیشت، مگیر عیب دل را نگاه دار، که در خدمتت بپاست [۱۲] .

کمال الدین محمود، معروف به خواجوی کرمانی (وفات ۷۵۳ هجری قمری)

«خواجوی کرمانی» از گویندگان به نام نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم هجری است. وی از معاصران سلطان «الجایتو» (سلطان محمد خدابنده) و فرزندش سلطان «ابو سعید بهادر» از پادشاهان تیموری بوده است.از اشعار خواجو بر می آید که شیعه دوازده امامی بوده و این درحالی است که مراد و مرشد او شافعی مذهب بوده اند.خواجو، د رمدح خاندان رسالت اشعار بسیار دارد که در اکثر آنها بالصراحه، به حضرت مهدی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اظهار اعتقاد کرده و

ظهور مهـدی را انتظار داشـته است.از جمله در خلوص عقیده نسـبت به امامان شـیعه و در مناقب آنان گفته است:یا رب به حق آن چمن آرای لَوْ کُشِفْ [۱۳] کو بود سـر و خوش نظر باغ لافتی [۱۴] .یا رب به حقّ خُلق حسن کز شـمامه اش بوئی است در نسـیم روان پرور صـبایا رب به حق آن گل سـیراب تشـنه لب کورا نصـیبه کرب و بلا شـد به کربلایا رب به حق آن علی عالی آستان کو بود در ممالک توحید پادشایا رب به حقّ خازنِ گنجینه هُدی باقر علیه السلام که بود مخزن اسرار اهتدایا رب به حق جعفر صادق علیه السـلام که آفتاب باشد چو صبح، بر نفسِ صدقِ او گوایا رب به حق موسی کاظم علیه السلام که چون کلیم بودی به طور قرب شب و روز در دعایا رب به حق آن علیِ موسوی گهر گو را نهنـد خسـرو معموره رضا علیه السـلامیا رب به حـق آن تقیِ متقی که او اَقطـاب هفت صـومعه را بـود مقتـدایا رب به حق شـمعِ سـراپرده تقی علیه السـلام یعنی علی نقی علیه السـلام، صدفِ گوهرِ تقا [۱۵] .یا رب به حق شـکّر شـیرین عسـکری علیه السلام کو بود طوطی شکرستان اتّقا [۱۶] .یا رب به حقِ مهـدی علیه السـلام هـادی که چرخ را باشـد به آسـتانه مرفوعش التجا [۱۷] .نمـونه هـای دیگری از اشـعار او:به خون حلق حسـین و به حُسنِ خُلق حسن به جدّ و جهد و جهادِ مهاجر و انصار [۱۸] .خون شفق در کنار چرخ به سوک حسین علیه السلام دود غسق در جگر دهر، به داغ حسن علیه السلامآنکْ بود رعد را، از غم او ناله کار وانک بود ابر را،

بی رخ او گریه فنروضه تحقیق را، گیسوی آن ضـمیران گلشن توحیـد را، عارض این نسترنیافته خُلـد برین، از لب این ناردان و آمده در باغ دین، قامت آن نارونیست به جز ذکرشان، مفتی جان فنون نیست به جز فکرشان دوحه دل را فنن [۱۹] .در ترکیب بندی که همه توحید و نعت خداوند و اوصاف حضرت علی علیه السـلام و مصائب وارده بر اهل بیت علیهم السـلام می باشد، گفته است:آن گوشوارِ عرش، که گردون جوهری با دامنی پر از گُهرش بود مشتریـدرویش ملک بخش و جهاندار خرقه پوش خسرو نشان صوفی و سلطان حیدریدر صورتش معین و در سیرتش مبین انوار ایزدی و صفات پیمبریدر بحر شرع لؤلؤی شهوار و همچو بحر در خویش غرقه گشـته، ز پـاکیزه گوهریـاقرار کرد حُرِّ یزیـدش، به بنـدگی خط بازداده روح امینش به چاکریلب خشـک و دیـده تر شـده از تشـنگی هلاـک وانگه طفیل خاک درش خشـکی و تریاز کربلا بـدو، همه کرب و بلا رسـید آری همین نتیجه دهـد ملک پروری [۲۰] و در قصـیده ای هم گفته است:ذکر غبـار درگهِ آن میر هاشـمی شاهان سـر فراز، بر افسـر [۲۱] نوشـته انـددر گوش ما مدایـح شبّیر خوانده اند بر جا ن ما مناقب شبّر [۲۲] نوشته اند [۲۳] و در ترکیب بنـدی که باز، در نعت سلطان انبیاء و مناقب ائمه علیهم السلام سروده می گوید:به حلقِ تشنه آن رشکِ غنچه سیراب که رخ به خون جگر شوید از غمش عنّابشه دو مملکت و شـهسوار نه مضـمار مه دوازده برج و امـام شـش محرابفروغ جان رسول و چراغ چشم بتول بهار عشرت و نوباوه دل اصحابحدیث مقتل او گر به گوش کوه رسد شود ز خون دل،

اجزای او عقیق مذابو گر سپهر برد، نام آتش جگرش کند به اشک چو پروین [۲۴] ستارگان را آبه کربلا شد و کرب و بلا به جان بخرید گشوده بال و ازین تیره خاکدان بپرید. [۲۵] .

پاورقی

[۱] یعنی قناعت کرد.

[۲] دیوان سلطان ولد، چاپ ۱۳۳۸، صفحات ۱۲۲ و ۴۳۱.

[۳] یعنی اگر از حُسن خُلق حسن و حسین برخوردار باشی.

[۴] دیوان علاءالدوله سمنانی، به اهتام عبدالرفیع حقیقت، چاپ ۱۳۶۴، صفحات ۲۷ و ۲۸۱.

[۵] کوتاه شده کلمه بدبخت است که بنا به ضرورت شعری صورت گرفته است.

[۶] مقدمه کلیات اوحدی، به تصحیح مرحوم سعید نفیسی، چاپ ۱۳۴۰، به نقل از مجالس المؤمنین قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید.

[۷] کلیات اوحدی، ص ۴۸۹.

[۸] اگر سفر اوحدی به کربلای معلی درست باشد او اولین شاعری است که پس از دیدار حقیقی از مرقد منوّر حضرت امام حسین علیه السلام شعری سروده و ما در این سلسله مقالات از او یاد کرده ایم.

[۹] اشاره است به کلام گهربار حضرت امام علی علیه السلام که فرموده اند: «لَوْ کُشِفَ الغِطاءُ ما اَزددتُ یقینی» یعنی اگر پرده ها هم برداشته شود، چیزی بر یقین من افزوده نمی گردد. در این زمینه به کتاب «مطلوب کل طالب من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» چاپ تهران، ۱۳۸۹هجری قمری، ص ۳ مراجعه فرمائید (به نقل از کتاب اشک خون، احمد احمدی بیرجندی، چاپ ۱۳۶۹، ذیل صفحه ۳۴). [

[۱۰] اشاره به حضرت علی علیه السلام و عبارت معروفی است که درباره آن حضرت بیان گردیده است.

[۱۱] منظور ترک شهر مقدس کربلا و حرکت به سوی شهر حله است که در گذشته در مسیر زائران قرار داشته است.

[۱۲] کلیات اوحدی اصفهانی مراغه ای صفحات

۴ تا ۶.

[۱۳] شرح آن در زیر نویس صفحات قبل ارائه گردید.

[۱۴] منظور از باغ لافتی حضرت علی علیه السلام می باشد که در زیرنویس های قبلی بدان اشاره شد.

[۱۵] هر دو به معنی پرهیزگاری است.

[۱۶] هر دو به معنی پرهیزگاری است.

[۱۷] دیوان خواجوی کرمانی، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، صفحات ۵۷۱ و ۵۷۲.

[۱۸] منبع بالا، ص ۵۰.

[۱۹] منبع قبل، ص ۱۰۳.

[۲۰] همان، ص ۱۳۱.

[۲۱] افسر به معنی تاج و کلاه شاهی است.

[۲۲] به هنگام نامگذاری حضرت امام حسین علیه السلام و انجام تبادل نظر بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام جبرئیل نازل شد و گفت: یا رسول الله آن پسر (امام حسن) را به نام یک پسر هارون نبی برادر حضرت موسی علیه السلام شبّر(حسن) نام گذاری نمودی، این فرزند هم باید که همنام دیگر پسر هارون شبّیر نام نهاده شود(شبّر و شبّیر) عبری است و عربی آن یعنی حسن و حسین برای اطلاع بیشتر به کتاب روضه الشهدای ملاحسین کاشفی سبزواری، ص ۱۹۲ مراجعه فرمائید.

[۲۳] دیوان، ص ۵۸۵.

[۲۴] چند ستاره کوچک کزه به شکل یک ستاره دیده می شوند ثریا هم گفته شده است.

[۲۵] دیوان، ص ۶۱۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹